ادامه از صفحه ۲

## انتقاد جهانگیری از دخالت‌های نهادهای نظارتی در امور اجرائی

او با تاکید بر اینکه مجموعه عظیمی از چالش‌ها پیش‌روی ماست که برای عبور از آنها باید با هم گفت‌وگو کنیم و راه‌حل بیابیم، افزود: «نباید بگذاریم به فهرست چالش‌های کشور چالش دیگری اضافه شود. مطمئنا افزایش امید و اعتماد مردم و در مجموع سرمایه اجتماعی، بخش عظیمی از چالش‌هایی را که امروز فهرست شده‌اند، کاهش می‌دهد».

**راهکار ساده حل مسئله ارز افزایش اعتماد مردم است**

جهانگیری با اشاره به وضعیت بازار ارز در روزهای اخیر با طرح این پرسش که آیا واقعا ریشه همه مسائل ارزی کشور اقتصادی است؟ عنوان کرد: «من بخشی از اتفاقات اخیر بازار ارز را حتما سیاسی می‌دانم؛ سیاسی نه به این معنا که کسی بیاید در داخل مداخله کند و نرخ ارز را بالا ببرد؛ بلکه به این معنا که مردم را درباره آینده کشور نگران کنند و مردم احساس کنند که اگر ارزی خریدند و در خانه نگه داشتند، اطمینان‌بخش‌تر است یا اینکه عده‌ای فکر کنند اگر ارزی را که در اختیار دارند، در خارج از کشور تبدیل به یک ساختمان کردند، با وجود آنکه برای رفت‌وآمد به آن کشور باید اجازه بگیرند، برای آنها اطمینان‌بخش‌تر است».

معاون‌اول رئیس‌جمهوری عنوان کرد: «راهکار ساده حل مسئله ارز در کشور افزایش امید و اعتماد مردم است. دراین‌صورت هیچ‌کس به سمت خرید دلار و این کارها نمی‌رود. یادمان نرفته که در سال ۹۱ قیمت دلار تا چهار هزار تومان رفت؛ اما با حضور مردم در انتخابات ۹۲ و انتخاب رئیس‌جمهوری، قیمت ارز کاهش یافت و سپس با انجام یک توافق اولیه در ژنو مجددا شاهد کاهش قیمت ارز بودیم. بسیاری از مشکلات کشور حتما با این‌گونه اقدامات که منجر به افزایش سرمایه اجتماعی کشور شود، حل‌شدنی است و دلسوزان انقلاب ایران و جمهوری اسلامی و کسانی که به آینده ملت فکر می‌کنند، باید با هم تفاهم و گفت‌وگو کنند و انسجام ملی و امید مردم به آینده را تقویت کنند».

جهانگیری با بیان اینکه برخی فکر می‌کنند چالش‌های کشور به‌گونه‌ای است که کارشناسان و متخصصان ما قادر به حل آن نیستند، تاکید کرد: «حل بسیاری از مشکلات پیش‌روی کشور اصلا نیاز به کار تکنیکی ندارد؛ بلکه حل آنها وابسته به شرایط سیاسی و اجتماعی کشور است. من جزء افرادی هستم که همیشه به آینده امیدوارم و مطمئنم با تجربیاتی که مسئولان کشور و دلسوزان دارند، شرایطی به وجود خواهد آمد که همه مشکلات برطرف شود».

**حق بی‌احترامی به انتخاب مردم یزد را ندارند**

معاون‌اول رئیس‌جمهوری همچنین با انتقاد از برخی خلأهای قانونی در زمینه واگذاری اختیارات به استان‌ها، گفت: «قانون اختیارات را به وزرا داده و وزیر براساس قانون باید در برابر مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهوری پاسخ‌گو باشد. زمانی که ما بخواهیم اختیارات را از وزیر خود به استاندار خود منتقل کنیم، شورای نگهبان می‌گوید که وزیر مسئول است و او باید پاسخ‌گو باشد. این در حالی است که اداره ایران با این جمعیت و گستردگی که دارد، به صورت فعلی و متمرکز دشوار است و حتما باید به فکر نوعی از اداره کشور باشیم که اختیارات در استان‌ها متمرکز شود. لایحه مدیریت شهری در این زمینه است و در حال طی‌کردن مراحل پایانی خود است».

جهانگیری با اشاره به دغدغه شورای‌عالی استان‌ها درباره موضوع حضور سپنتا نیکنام، منتخب مردم شهر یزد در شورای شهر، گفت: «به‌عنوان دولت موضع‌مان راجع به سپنتا نیکنام روشن است و تردیدی در آن نداریم. مردم یزد مردمی مؤمن، انقلابی و متدین هستند که هیچ‌کس در تدین آنها شکی ندارد و هیچ‌کس برای یزد دلسوزتر از مردم این شهر نیست. آنها انتخاب کرده‌اند و این انتخاب باید مورد احترام همه قرار گیرد و هیچ‌کس حق ندارد که به انتخاب مردم یزد بی‌احترامی کند. مردم یزد دوست دارند که شهر خود را این‌گونه اداره کنند و این موضوع هیچ مغایرتی با قوانین کشور ندارد. قطعا مشکلاتی که در این زمینه به وجود آمده، با گفت‌وگو حل می‌شود. در این زمینه کمک خواهند کرد؛ چراکه راهکار همه مشکلات در گفت‌وگو است و ما نباید از گفت‌وگو نگران شویم».

**چکیده سخنان برخی پمپاژ ناامیدی به جامعه است**

معاون‌اول رئیس‌جمهوری گفت: «ایران از لحاظ مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، شرایطی بسیار استثنائی دارد. امروز باید شرایط کشور را به‌خوبی درک کنیم. در گوشه و کنار دنیا قدرت‌های بزرگ و برخی کشورهای منطقه متحد شده‌اند که به ایران آسیب برسانند. در اتاق‌های فکر برخی از کشورهای غربی عده‌ای در حال طراحی علیه ایران هستند. به‌همین‌دلیل ایران شرایط بسیار حساسی دارد و یک لحظه غفلت‌کردن و یک تصمیم ناصحیح گرفتن و یک اقدام نابجا انجام‌دادن می‌تواند شرایط مردم را به‌گونه‌ای دیگر رقم بزند». او افزود: «امروز کم‌هزینه‌ترین راه برای خسارت‌زدن به ایران، دامن‌زدن به اختلافات، تفرقه و چنددستگی و همچنین ناکارآمد نشان‌دادن مسئولان میان مردم است و القای اینکه نظام ناکارآمد است و توانایی حل مشکلات را ندارد. واقعا من ناراحت می‌شوم که می‌بینم گاهی مسئولان برخی نهادها و جریانات سیاسی که باید بیش از دیگران به حساسیت کشور و منطقه فکر کنند، چکیده همه سخنان‌شان پمپاژ ناامیدی به جامعه است».

politics@sharghdaily.ir

محکوم جنایت کهریزک هنوز دستگیر نشده

# محکوم موردنظر در دسترس نیست

**مشاور رئیس‌جمهوری: مراقب باشیم مرتضوی خاوری نشود؛ نه فرار کند و نه فراری داده شود**

عکس: امین کرمی، مهر

**شرق:** در حاشیه جلسه پرسش و پاسخ سخنگوی قوه قضائیه با دانشجویان بود که محسنی‌اژه‌ای در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه خراسان درباره جلب مرتضوی گفت: «حکم جلبش صادر شده ولی هنوز متأسفانه گیرش نیاورده‌اند، حالا نمی‌دانم چطور هست». این درحالی است که روزنامه خراسان چند روز پیش‌تر به نقل از منبعی مطلع نوشته بود: «قوه قضائیه در زمان خودش این کار را انجام می‌دهد. وی اکنون تحت نظر است». در همین خصوص دیروز، وکیل خانواده روح‌الامینی به خبرگزاری تسنیم گفت: «هفته قبل که با قاضی اجرای احکام صحبت می‌کردم، گفت که اصل پرونده در اختیار وی نیست و در دست سرپرستی دادسراست و قرار است آنها اقدام کنند.» او در ادامه درباره وضعیت مجرم افزود: «وقتی کسی حکم قطعی گرفته و حکم نیز به وی ابلاغ شده اما خود را معرفی نمی‌کند، آیا با فرارکردن فرقی دارد؟». تسنیم در همین گزارش با وکیل پرونده تأمین اجتماعی مرتضوی هم گفت‌وگو کرد. رضا جعفری مدعی شد که شش ماه است که با موکل خود حتی تماس تلفنی هم نداشته است. حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهوری، نیز با توییتی به این بحث‌ها واکنش نشان داد: «مراقب باشیم مرتضوی خاوری نشود؛ نه فرار کند و نه فراری داده شود. او حامل رازهای سر به مهر فراوانی است. بدون او تاریخ قضائی ایران در طول بیش از یک دهه پنهان خواهد ماند».

**مرتضوی در دسترس نیست**

اواسط اسفندماه سال گذشته بود که وکیل خانواده روح‌الامینی - یکی از درگذشتگان ماجرای کهریزک در سال ۸۸ - خبر صادرشدن حکم جلب مرتضوی را رسانه‌ای کرد. طاهری، وکیل‌مدافع خانواده روح‌الامینی، حکم مرتضوی را این‌گونه توضیح داده بود: «رأی پرونده به صورت الکترونیکی به من ابلاغ شد و شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر، سعید مرتضوی را در پرونده کهریزک، به اتهام معاونت در قتل به دو سال حبس تعزیری محکوم کرده است. دادگاه تجدیدنظر به دلیل اظهار ندامت مرتضوی، با یک درجه تخفیف، وی را به دو سال حبس محکوم کرده و رأی صادره قطعی است». با گذشت بیش از یک ماه از صادرشدن حکم جلب مرتضوی، سخنگوی قوه قضائیه از «گیرنیاوردن» مجرم می‌گوید. بر اساس قانون، پرونده بعد از صدور حکم قطعی به اجرای احکام دادسرای مربوطه ارسال می‌شود. بعد از تعیین شعبه اجرای احکام، قاضی شعبه اخطاریه‌ای به محکوم‌علیه جهت معرفی خود برای اجرای حکم صادر می‌کند. محکوم‌علیه نیز مکلف است ظرف مهلت تعیین‌شده که بر اساس رویه دادسراها ۱۰ روز است، خود را برای اجرای حبس معرفی کند. اما در صورت عدم حضور در مهلت قانونی مطابق قانون آیین‌دادرسی کیفری وثیقه تعیین‌شده ضبط و حکم جلب محکوم‌علیه صادر خواهد شد.

**مرتضوی زیربار نمی‌رود**

قاضی دیروز و مجرمِ امروز، فردای انتشار خبر صادرشدن حکم جلب خود در جوابیه‌ای به روزنامه «شرق»، نوشت: «تابه‌حال از طرف اجرای احکام هیچ‌گونه احضار یا دعوتی از این‌جانب یا ضامن به عمل نیامده؛ بنابراین چنانچه بدون طی مراحل آیین دادرسی اقدامی هم صورت گرفته باشد، این‌جانب از آن بی‌اطلاع بوده و خلاف قانون و رویه معمول در اجرای احکام و آیین دادرسی عمل شده است». مرتضوی در ادامه این جوابیه، خود را «مدیر نمونه کشوری» خواند و افزود: «در رابطه با حکم صادره از سوی شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که علی‌رغم احکام برائت قبلی و همچنین برخلاف رأی قطعی شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور و بدون درنظرگرفتن موازین آیین دادرسی کیفری و مسلمات فقهی و شرعی و دلایل موجود در پرونده، این‌جانب را درخصوص اتهامی ناروا در جریان برخورد با فتنه سال ۱۳۸۸ و در راستای ایفای وظایف قضائی پیرامون اخلالگران در نظم و امنیت کشور و سلب آسایش شهروندان، بدون کوچک‌ترین خطا یا گناه و یا صدق عنوان مجرمانه‌ای به دو سال حبس محکوم نموده که واجد موازین حق اعاده دادرسی و اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد». مرتضوی در روزی جوابیه خود را برای «شرق» آماده می‌کرد که رئیس کل دادگستری استان تهران درباره جزئیات نحوه اجرای محکومیت سعید مرتضوی گفته بود: «دو سال حبس سعید مرتضوی در دادگاه تجدیدنظر قطعی شده بود که دادگاه برای اجرا، پرونده محکومیت او را به دادسرا ارسال کرد». اما میرمجید طاهری، وکیل پرونده درباره ادعای دادستان اسبق تهران - مرتضوی - به «شرق» توضیح داده بود: «تقریبا غالب افرادی که تجربه اندکی در پرونده‌های حقوقی دارند، می‌دانند که رد دادرس باید از قبل باشد. قبلا نیز آقای مرتضوی در مورد قضات دیگری که نظر به محکومیت ایشان داشتند چنین مطالبی را بیان کردند و سعی می‌کنند موضوع را شخصی نشان دهند. درحال‌حاضر حکم صادر شده و قطعی و لازم‌الاجراست».

**زخم کهنه کهریزک**

«محسن روح‌الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیر جوادی‌فر»، سه بازداشتی‌ای بودند که بعد از بازداشت در روز ۱۸ تیر ۸۸ و انتقال به بازداشتگاه غیرقانونی کهریزک بر اثر شدت جراحات و عفونت فوت کردند؛ اما در نامه‌ای که مسئولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه نفر خطاب به دادستان وقت تهران می‌نویسند، علت فوت، «منئزیت» اعلام می‌شود. بهداری زندان ۲۱۰ «کهریزک» نیز علت اولیه فوت متهم «جوادی‌فر» را مشکل تنفسی و منئزیت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده بود. در این نامه تأکید شده بود: «هیچ‌گونه ضرب‌وشتمی درخصوص متهمان در زندان صورت نگرفته است». نکته جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شاغل در بهداری و نه رئیس بهداری «فاتب»، هیچ‌کدام حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و متهمان دادگاه انتظامی «کهریزک» مدعی شدند متن این گزارش خلاف واقع از سوی دادستان تهران «سعید مرتضوی» به آنان داده شده و «مرتضوی» از آنان خواسته چنین گزارشی را بنا بر مصلحت به دادستان عمومی تهران ارائه کنند. سردار احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی هم بعدا در گفت‌وگویی فاش کرد که انتقال بازداشتی‌های حوادث ۸۸ به «کهریزک» با اصرار «سعید مرتضوی» بوده است. علت مرگ سه جوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۷۲ ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در آن چند روز بارها به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هرچه‌زودتر بازداشتی‌ها از «کهریزک» به اوین منتقل شوند؛ به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ‌کدام فوت نمی‌شدند. اولین دادگاه مربوط به پرونده کهریزک در سال ۹۱ برگزار شده بود. نخستین جلسه دادگاه، هشتم اسفند ۹۱ آغاز شد و اول خرداد ۹۲ بعد از ۱۱ جلسه پایان یافت. در جلسات آخر دادگاه، خانواده جوادی‌فر از «سعید مرتضوی» اعلام رضایت کردند که همه را در شوک فروبرد. سعید مرتضوی مدتی قبل نامه عذرخواهی برای خانواده‌های کشته‌شدگان کهریزک نوشته بود و از آنها با عنوان شهید یاد کرد، اما خواهر محمد کامرانی در پاسخ گفت: «عذرخواهی درمان ناله‌های جان‌سوز مادرم نیست». در نهایت پرونده کهریزک بعد از کلی فرازونشیب و تجدیدنظرخواهی و به دیوان‌عالی رفت و حکم صادر شد. «معاونت در قتل»، «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع»، اتهامات سعید مرتضوی در پرونده بازداشتگاه کهریزک بود. او به‌دلیل بازداشت غیرقانونی افراد و انتقال آنها به کهریزک به انفصال دائم از خدمات قضائی و پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شد. او به علت تنظیم گزارش خلاف واقع به پرداخت مبلغ ۲۰۰ هزار تومان جریمه محکوم شده بود، اما شعبه ۳۸ دیوان‌عالی کشور این اتهام را وارد ندانست و در نهایت سعید مرتضوی از این اتهام تبرئه شد. او از اتهام معاونت در قتل محمد کامرانی و امیر جوادی‌فر هم تبرئه شد، اما بابت همین مورد اتهامی با شکایت خانواده روح‌الامینی محکوم شد. ماجرا از این قرار بود که شکایت خانواده روح‌الامینی ضمیمه پرونده کهریزک نشده بود و به‌صورت مستقل بررسی شد. مرتضوی در پرونده کهریزک از دو اتهام تبرئه شده بود، اما چندی بعد در پرونده محسن روح‌الامینی به‌خاطر معاونت در قتل به دو سال حبس محکوم شد.

**پرونده‌های باز مرتضوی: زهرا کاظمی و سازمان تأمین اجتماعی**

مرتضوی شخصیتی منحصربه‌فرد است. در جوانی رشد کرد و از همان زمان درگیر پرونده‌های متعددی شد. از جمع آن موارد دو اتهام به دادگاه رسیده و هنوز در حال بررسی است؛ پرونده «فوت» زهرا کاظمی و پرونده سازمان تأمین اجتماعی در زمان مدیرعاملی مرتضوی. بحث زهرا کاظمی بعد از درگذشت کاووس سید امامی دوباره به مرکز توجه آمد. توضیحات علی یونسی درباره آن پرونده در روزنامه ایران و نقش مرتضوی در آن باعث شد دادستان کل کشور، جعفری‌دولت‌آبادی، در واکنش به آن از بازبودن پرونده «فوت زهرا کاظمی» و مطرح‌بودن نام «دادستان سابق تهران» در آن خبر بدهد. پرونده‌ای که البته ۱۴ سال از آن می‌گذشت. درباره پرونده سازمان تأمین اجتماعی نیز مرتضوی از بخشی از اتهامات تبرئه شده و درمورد بخش دیگر نیز دوره دادرسی آنها به پایان رسیده و همه منتظر نتیجه دادگاه هستند.

**واکنش‌های مجازی به «گیرنیاوردن» مرتضوی**

صحبت سخنگوی قوه قضائیه درباره گیرنیاوردن سعید مرتضوی با واکنش طنز برخی در فضای مجازی همراه شد. چند نمونه از آن در ادامه می‌آید: «کودکی به نام سعید مرتضوی از منزل خارج گشته و تاکنون مراجعت نکرده، از یابنده تقاضا می‌شود وی را به نزدیک‌ترین کلانتری تحویل نماید»، «مرتضوی خونه شماست؟ اگه نیست ریتوییت کن-طرح جست‌وجوی منزل به منزل»، «لابه‌لای صفحات تاریخ مطبوعات ایران است. در ذهن روزنامه‌نگارانی است که با یک امضای او بی‌کار شدند، فرار کردند، افسردگی گرفتند. مثل داغ بر دل مادران محسن روح‌الامینی، محمد کامرانی و امیر جوادی‌فر است. سعید مرتضوی گم نشده است.»

یک سال بعد از ثبت‌نام در انتخابات ریاست‌جمهوری

# رئیسی کجای سیاست ایران قرار دارد؟

**شرق، مهسا جزینی:** هم‌زمان با سالگرد ثبت‌نام ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست‌جمهوری، ویدئویی از او در فضای مجازی بازنشر شده است. تولیت آستان قدس رضوی و داماد احمد علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد، در این ویدئو می‌گوید اطلاعات زیادی از حسن روحانی و اسحاق جهانگیری دارد و این اطلاعات نیز به واسطه مسئولیت‌هایی است که داشته است. این فیلم نخستین‌بار ۲۸ اردیبهشت ۹۶ یعنی یک ماه و سه روز بعد از ثبت‌نام او در انتخابات - و یک روز مانده به رأی‌گیری- منتشر شد. او از وضعیت مناظره‌ها و بیش از همه اطلاعاتی که درباره گذشته او منتشر یا از زبان نامزدهای انتخابات به‌ویژه حسن روحانی بیان می‌شد، شاکی بود. این گذشته رئیسی، دقیقا همان مسئولیت‌هایی بود که خودش در این ویدئو به آن اشاره کرده و گفته بود: «می‌دانید لابد که من مسئولیت‌هایی داشتم که اطلاعات شخصی‌ای از افراد بسیار زیادی دارم. من‌جمله آقای روحانی و آقای جهانگیری. همان وقتم در ذهنم بود. اصلا رئیس‌جمهور باید نشان دهد من ظرفیت دارم. سر آن بزنگاه‌ها می‌توانم خودم را حفظ کنم، منافع کشور و نظام را بر منافع شخصی تقدم بدهم. اینکه می‌گویم خبر دارم، تحلیل نیست. کمیته جنگ روانی درست کرده‌اند. این‌جوری رأی‌آوردن دارد؟ افراد متخصص جنگ روانی را آورده‌اند که بیایند آن حرف‌ها را در مناظرات بزنند و بعدش هم رقیب را تخریب کنند. اینکه صداقت نیست». او دو ماه بعد از انتخابات نیز در دیداری با مدیران خبرگزاری‌های هم‌سو گفت: «حقیقتا بنده این حجم از تخریب و ترساندن مردم را پیش‌بینی نمی‌کردم؛ چون پیش خود می‌گفتم اولا طرف رقابت، فردی است که لباس دین و روحانیت را به تن دارد و لااقل در این قضیه حد نگه می‌دارد؛ نه اینکه کاری نمی‌کند، بلکه بالاخره تا یک جایی جلو می‌رود». آنچه رئیسی از آن گلایه داشت، البته چندان هم به روزهای انتخابات مربوط نبود. این نامزد ریاست‌جمهوری، چندان خوش‌اقبال نبود. ۱۸ اردیبهشت ۹۶، حسن روحانی در جریان سخنرانی خود به مناسبت افتتاح راه‌آهن در همدان، بدون ذکر نام، به رقبای انتخاباتی خود به‌سختی تاخت. او با تأکید بر اینکه ملت ما در انتخابات ۹۲ اعلام کرد «راه حصر و انزوای ایران را نمی‌پذیرد» و یک بار دیگر هم در اسفند ۹۴ اعلام کرد «مسیرش مسیر آزادی است»، شاید از همین رو بود که حامیان رئیسی یک روز پس از انتخابات در این شیپور دمیدند که شکست آنها با توجه به آنچه که بداخلاقی حسن روحانی می‌خوانند، عین برد است. حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، در یادداشتی پس از اعلام نتایج، ۱۶ میلیون رأی رئیسی را برابر با ۳۰ میلیون رأی دانست! حامیان رئیسی نیز رأی او را سرمایه‌ای برای آینده جریان موسوم به «نیروهای انقلاب» می‌دانند. خود ابراهیم رئیسی نیز در بیانیه پس از ناکامی در انتخابات نوشت: «رأی قریب به ۱۶ میلیون ایرانی خواهان تغییر، سرمایه‌ای مهم و پشتوانه‌ای عظیم است که به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را در عرصه سیاسی و تصمیم‌گیری کلان کشور نادیده گرفت». در ادامه این بیانیه آمده است: «این‌جانب با اتکا به همین پشتوانه مردمی، همه ظرفیت‌ها را برای پیگیری مطالبات مردم در مبارزه با فساد و تبعیض و تحکیم ارزش‌های انقلاب اسلامی به کار خواهم بست و هر اراده و تلاشی در دولت آینده با این جهت‌گیری را مورد حمایت قرار خواهم داد و همواره زبان گویای محرومان خواهم بود». برخی تحلیلگران معتقد بود این بیانیه مسیر سیاست‌ورزی رئیسی را مشخص کرده است؛ تاجایی‌که او قصد دارد به‌عنوان یک سیاست‌مدار به فعالیت خود ادامه دهد. این در حالی است که ابراهیم رئیسی تا پیش از انتخابات ۹۶ بیشتر به‌عنوان یک چهره با پیشینه قضائی - و نه لزوما سیاسی - آن‌هم نه چندان معروف شناخته شده بود؛ اما کنش سیاسی یک‌ساله او دقیقا نشان داد که تولیت آستان قدس اصرار بر ارائه و حفظ یک چهره سیاسی از خود دارد. حامیان قدرتمندش نیز به مدد رسانه‌هایشان ازجمله صداوسیما، در این یک سال برای او سنگ‌تمام گذاشته‌اند و در دو بخش فردی و عملکردی سعی کرده‌اند مانع فراموشی این سیاست‌مدار نوساخته شوند. رئیسی از سوی دیگر بر ملاقات‌های سیاسی‌اش به‌ویژه با طرف‌های خارجی و متحدان استراتژیک ایران افزود تا همچنان نشان دهد بر حفظ این چهره سیاسی و حتی فراتر از آن، بازنمایی دیپلماتیک از خود تأکید دارد؛ از دیدار با نماینده پوتین در همان روزهای انتخابات تا سیدحسن نصرالله در بهمن و دیدار همین دو روز پیش با سفیر نروژ که به مشهد سفر کرده بود.

**فعالیت‌های تولیت آستان قدس**

تولیت آستان قدس بهمن ۹۶ ابتدا به سوریه رفت و پس از آن به لبنان سفر کرد؛ سفرهایی که ابعاد و اهداف آن چندان روشن نبود و اخبار جزئیات آن کمتر منتشر شده است. از دیدار رئیسی با سیدحسن نصرالله نیز جزئیاتی منتشر نشد. او در ابتدای این سفر، با استقبال نماینده ولی فقیه در سوریه و نماینده ولی فقیه در سپاه قدس، وارد فرودگاه دمشق شد. محمدصادق جوادی‌حصار، فعال سیاسی در مشهد، همان زمان درباره این سفر به فرارو گفته بود: «ما می‌توانیم تحلیل کنیم که این سفر می‌تواند چه ابعادی داشته باشد یا اینکه چه رمزورازهایی دارد؛ اما اینها حوزه گمانه‌زنی است». او گفته بود: «از منظر حاکمیتی و اینکه بگوییم آقای رئیسی مأموریت ویژه‌ای در این سفر داشته است، من نمی‌توانم و نمی‌خواهم جایی برای این تحلیل باز کنم. ما خودمان در جهت‌دهی به مسائل نقش‌آفرین هستیم. وقتی ایشان با رئیس مجلس لبنان دیدار می‌کند، قاعدتا از جایگاه یک سیاست‌مدار دیدار کرده است. ایشان از موضع یک کاندیدای ریاست‌جمهوری که دومین رأی انتخابات را به دست آورده و جزء رجال سیاسی ایران است، به این سفر رفته و طبیعی هم هست». رئیسی بارها در صداوسیما حضور یافته و درباره عملکرد آستان قدس رضوی گزارش داده است. رسانه‌های اصولگرا هم در این یک سال تمرکز زیادی بر پوشش‌دهی اخبار و عملکرد آستان قدس رضوی با نگاه مثبت داشتند و به ویژه سعی در برجسته‌سازی آن بخش از عملکرد آستان قدس داشته‌اند که در راستای محرومیت‌زدایی بوده است. در مجادله‌ای هم که بین علی مطهری و آستان قدس بر سر چرایی پرداخت‌نکردن مالیات از سوی این نهاد عظیم اقتصادی صورت گرفت، آستان قدس گفته بود که آنچه را باید تحت‌عنوان مالیات پرداخت می‌کرده، رأسا در راستای محرومیت‌زدایی هزینه کرده است.

نگاه

## لزوم افزایش ضریب امنیت و آرامش در جامعه

سیده فاطمه ذوالقدر
نماینده تهران

● حمایت از کالای ایرانی نیازمند بهبود فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری در کشور بوده و تحقق آن در گرو برقراری امنیت اقتصادی به‌عنوان یک پیش‌نیاز برای اقتصاد، صنعت و فرایند تولید کشور است. در کشور ظرفیت‌های بی‌بدیلی مانند نیروی انسانی ماهر و نخبه و دسترسی به مواد و منابع اولیه تولید برای پیشرفت و رونق اقتصادی وجود دارد که همراهی توأمان این دو با هم می‌تواند مشکلات و موانع موجود را از سر راه برداشته و زمینه‌های اشتغال را فراهم کند.

اما آنچه می‌تواند همراهی این دو را با هم تضمین کند، فضایی است که در آن امنیت در همه ابعاد آن و به صورت فراگیر فراهم باشد، به‌گونه‌ای که دولت‌ها امنیت را در توسعه فراهم کنند. اگرچه تدارک و دستیابی به امنیت در جهان امروز با توجه به پراکندگی منابع قدرت نسبی است، اما می‌توان با تقویت بُعد امنیت ذهنی که ریشه در اعتقادات و باورها داشته و برخاسته از تجربیات پیشین است بار روانی مثبتی را به فضای نامن تلقین کرد.

فضای اقتصادی امروز جامعه ایرانی به شکلی شده که امنیت به یک متاع نایاب در همه ابعاد آن بدل شده است و جدایی و فاصله‌ای میان متولیان امنیت و ذی‌نفعان آن پدیدار کرده که عدم‌اطمینان‌ها و فرازوفرودهای بی‌پاسخ و تجربه‌های منجر به شکست باعث شده مردم راه خویش را از راه دولتمردان و برنامه‌ریزان جدا کنند و در آنجایی که خواسته می‌شود برای افزایش اطمینان به پیام‌رسان‌های رسمی داخلی کوچ کنند مقاومت می‌کنند و یک منبع ناشناس را بر یک منبعی که شناخت‌های قبلی از آن نتوانسته نیاز و خواست آنها را پاسخ‌گو باشد ترجیح می‌دهند و حاضر به پذیرش هر نوع ریسک ناشناسی هستند. در موضوع اقتصادی کشور نیز چالش‌های بازار ارز و دلار برخاسته از صنعتگران و تولیدکنندگان برای خرید ارز برای مایحتاج چرخه تولید نیست، بلکه برخاسته از افزایش تقاضا در بازار توسط مردم عادی است که سکه و ارز را به‌عنوان منبعی برای پس‌انداز آتی خود تهیه و تدارک می‌بینند، غافل از آنکه این سهم پس‌انداز محدود آنها می‌تواند چه ضربه‌ای را به خود آنها و اقتصاد کشورشان وارد کند، اما نباید به مردم خرده گرفت، چراکه تجربه‌های اقتصادی این مردم و افزایش سطح فقر در جامعه و مشکلات اقتصادی و بی‌کاری که روزبه‌روز بر آنها دامن زده شده، ضریب اطمینان و امنیت را برای آنها کاسته است و درصدد هستند که هرکس به قولی گلیم خویش را از آب بیرون بکشد و این موضوع را که همه در یک کشتی هستیم دیگر نمی‌پذیرند. بهتر است مسئولان و متولیان و برنامه‌ریزان گام‌های هرچند کوتاه، اما پایدار را در راستای افزایش ضریب امنیت و آرامش در جامعه بردارند و پیش از هرچیز، با تغییر در باورهای ذهنی مفهوم امنیت و آرامش را به صورت ملموس و قابل‌درک برای مردم پدید آورند، چراکه زمانی که فکر در بستر آرامش و ثبات‌خاطر تصمیم بگیرد، عمل نیز از آن متأثر خواهد شد.

خبر

## وزیرانی که بیانیه برائت از احمدی‌نژاد را امضا نکردند

● **خبرآنلاین:** هم‌زمان با دومین قرار بست‌نشینی احمدی‌نژادی‌ها در امامزاده صالح، وزرای هر دو کابینه نهم و دهم در بیانیه‌ای از اقدامات او تبری جستند و او را متهم به زمینه‌چینی برای جولان عوامل فتنه و دشمنان کردند. در این بیانیه که ۴۳ نفر از اعضای کابینه‌های نهم و دهم آن را امضا کرده بودند، از نامه‌پراکنی‌های غیرمتعارف، طرح خواسته‌های غیرقانونی مانند برگزاری زودهنگام انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی، تضعیف نهادها و ارکان نظام اسلامی به بهانه نقد و اصلاح‌گری، عدم ترجیح مصالح ملی بر مسائل شخصی و گروهی مانند تکرار موضوع مهندسی انتخابات و... از سوی محمود احمدی‌نژاد، انتقاد شده است. البته هستند دولتمردانی که یا همچنان به سکوت خود در قبال رویکردهای احمدی‌نژاد ادامه داده‌اند یا اینکه با وجود انتقاداتی که از او داشته‌اند، این بیانیه را امضا نکرده‌اند. البته هستند کسانی که همچون گذشته سمت معاونت و مشاورت او را بر عهده دارند و عهد اخوتشان با احمدی‌نژاد منقضی نشده است. جدای از عبدالرضا شیخ‌الاسلامی که وزارت رفاه را در دولت دهم بر عهده داشت و این روزها ارتباط نزدیک‌تری از گذشته با رئیس خود برقرار کرده، حمید بقایی، اسفندیار رحیم‌مشایی و علی‌اکبر جوانفکر همچنان از حلقه نزدیکان او به شمار می‌روند. حلقه‌ای که فقط با بازداشت آنها و سکنی در اوین می‌تواند تنگ‌تر شود.